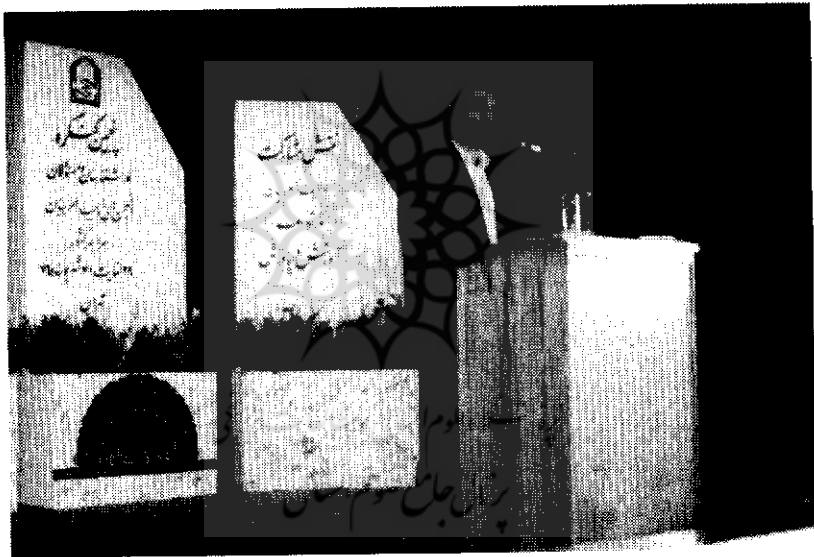


انجمن اولیاء و مربیان

احساسات ، عواطف ، فرهنگ و نقش خانه و مدرسه را پررنگتر از دو مکان فیزیکی می‌کند

سخنان وزیر محترم آموزش و پرورش

درکنگه پنجم کارشناسان و مسؤولان انجمن‌های اولیاء و مربیان



به ارواح مقدس شهیدان سلام عرض می‌کنم، برای امام شهیدان علو درجات خواهانم و سلامت مقام معظم رهبری را آرزو مندم . با عرض سلام مجدد خدمت همه برادران عزیز و گرامی ، همکاران صمیمی مان در آموزش و پرورش ، نمایندگان محترم انجمن‌های اولیاء و مربیان ، بسیار خوشحال

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام :
« ... فبعث فیهم رسله ، و اترالیهم انبیاء لیستأدوهم میثاق فطرته ، و یذکروهم منسى نعمته ، و یحتجوا علیهم بالتبلیغ ، و یثیروا لهم دفائن العقول ... »

و روان و عقل دانش آموزان و آینده سازان این جامعه است. کار تعلیم و تربیت، کار انسان سازی است. به عبارت دیگر دستگاه تعلیم و تربیت، کارخانه آدم سازی است. در حقیقت دستگاه تعلیم و تربیت، یک دستگاه هادی است که هدایت انسانها را به عهده دارد. یعنی رشد و کمال انسانها و آینده سازان این جامعه به دست عناصر تعلیم و تربیت است و این هم از مهمترین موضوعاتی است که اهتمام هر چه بیشتر جامعه را برای همکاری با آموزش و پرورش بر می انگیزد.

کار آموزش و پرورش، کار بسیار حساسی است. کار انسان سازی و هدایت و رشد و کمال انسانها، مهمترین رسالت انبیاء است. جمالتی که در صدر سخن به عرض شما رساندم، از جمالات امیر مؤمنان در اولین خطبه نهج البلاغه است. ایشان در این جمالات فلسفه بعثت پیامبران را بیان می کنند که خداوند پی در پی رسولانی می فرستد و این رسولان کارشان این است که اولاً پیمان فطری را به یاد انسانها بیاورند و از آنها پیمان بگیرند که بر فطرت خودشان باقی بمانند و تذکر بدهند و با تبلیغ و موعظه و نصیحت و ارشاد برای جامعه احتجاج کنند، و در نهایت نکته آخری که شاهد مثال بنده است: "و شیروا لهم دفائن العقول"، یعنی عقول نهفته ای را که در ذات انسانها وجود دارد، استخراج و اکتشاف کنند. و این در حقیقت همان شکوفایی استعدادهاست که ما آن را یکی از رسالت های آموزش و پرورش ذکر می کنیم. به عبارت دیگر معلمان و دستگاه آموزش و پرورش کارشان این است که زمینه رشد و کمال و از همه مهمتر شناسایی و کشف استعدادها را فراهم کنند و دانش آموزان را به سوی آن

هستم که خداوند توفیقی نصیب کرد تا در روزهای آغازین خدمت خود در آموزش و پرورش، با دست اندرکاران یکی از مهمترین ارکان این نظام و نیز آموزش و پرورش صحبتی داشته باشم.

دوران جدید و تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از آن ما را بیشتر مشتاق می کند که به ظرفیت عظیم مردمی توجه کنیم، آن هم مردم گرافندری که رابطه تنگاتنگ با نظام تعلیم و تربیت دارند.

همان طور که استحضار دارید حیطه فعالیت دستگاه تعلیم و تربیت بسیار گسترده و فراگیر است، به نحوی که هیچ دیار و منطقه و محله و حتی خانه ای را نمی بینیم که با آموزش و پرورش ارتباط نداشته باشد. یعنی یا شاگردانی از آن خانه در مدرسه حضور دارند و یا برخی از افراد خانواده از عوامل تعلیم و تربیت هستند و اولیای دانش آموزان نیز نظاره گر فعالیت آموزش و پرورش می باشند. بنابراین از نظر کمی ایجاب می کند این حساسیت در آحاد جامعه ما به وجود آید که بدانند و ببینند آموزش و پرورش چه می خواهد بکند، دستگاهی که هم می تواند در تربیت فرزندان نقش داشته باشد و هم با ۱۸/۵ میلیون دانش آموزی که در اختیار دارد، تحولات فرهنگی در جامعه انقلابی ایجاد کند. همچنین یک میلیون معلم و فرهنگی کارمند، از فرهیختگان جامعه در این دستگاه، کاروان تعلیم و تربیت را همراهی می کنند و برای حرکتش به سوی کمال کمک می نمایند. پس طبیعی است که جامعه ما حساس باشد و به این امر مهم توجه کند و خود را آماده مشارکت، فداکاری و ایثار نماید. از طرف دیگر، از نظر کیفیت، سروکار دستگاه تعلیم و تربیت با روح

استعدادها هدایت نمایند.

در جاهای دیگر و به تعابیر دیگر، بویژه در قرآن کریم آمده است که از وظایف پیامبران الهی، بویژه پیامبرگرمی اسلام، تزکیه و هدایت درونی انسان و پاک کردن نفوس از رذایل و رشد اخلاقی است (وِزَکِیْهِمْ وَیَعْلَمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ). وظیفه بزرگ رشد عقلی و علمی جوانان و نونهالان جامعه نیز بر عهده آموزش و پرورش است. بحث این است که آیا آموزش و پرورش می تواند به تنهایی از عهده انجام وظیفه و رسالت بسیار عظیم و مهم خود که رسالت انبیاست برآید؟ آیا همه عوامل و امکانات در اختیار این مجموعه قرار دارد؟ پاسخ این است که همه امکانات در اختیار آموزش و پرورش نیست و این دستگاه به تنهایی نمی تواند عهده دار این رسالت بسیار سنگین باشد.

دانش آموزان ما بخش مهمی از اوقات خود را خارج از مدرسه، و در خانه، اجتماع و در ارتباط با گروه همسالان و دوستانشان سپری می کنند، اما مدت زمانی که دانش آموزان در اختیار آموزش و پرورش هستند، گاهی پنج، شش ساعت و گاهی نیز متأسفانه به لحاظ ظرفیت محدود مدارس، بسیار اندک است.

بخشی از عرایض بنده را مقام محترم ریاست مجلس شورای اسلامی بیان فرمودند، لذا بنده از آن عبور می کنم.

آموزش و پرورش به طور مستقیم کار تعلیم و تربیت را عهده دار می شود، اما خانواده این کار را به طور غیرمستقیم انجام می دهد. در حقیقت آموزش و پرورش در مورد تعلیم و تربیت یک کار کلاسیک انجام می دهد، اما خانواده یک کار غیرکلاسیک دارد. یعنی دانش آموزی که بخشی از اوقات خود را در خانه می گذراند، اگرچه در

پشت نیمکت ننشسته است و معلمی به طور رسمی به او آموزش نمی دهد، ولی همین دانش آموز از تمام صحنه هایی که در کانون خانواده می گذرد عکسبرداری می کند. به عبارت دیگر عقل پاک و سلیم کودک و صفحه پاک و نورانی نوجوان محل انعکاس همه رفتارها و گفتارهایی است که در کانون صمیمی خانواده اتفاق می افتد. شاید به این امر توجه نداشته باشیم، اما تمام اینها برای جوان و نوجوان یک درس است، نوعی آموزش است. شما بخوبی می دانید که کارایی آموزش غیرکلاسیک و غیرمستقیم بعضاً بیشتر از آموزشهای مستقیم است.

آقای ناطق در باره مسائل و زمینه هایی از قبیل ازدواج، انتخاب همسر، دوران بارداری، مراقبت هایی که باید در آن دوران صورت بگیرد و تأثیراتی که این امور بر فرزند و تربیت او در آینده به جای می گذارند، مطالبی بیان فرمودند. نکته مهم دیگر، ضرورت هماهنگی و ارتباط بین این دو کانون تربیتی است و باید از این دو کانون فیزیکی به عنوان دو کانون تربیتی با بار فرهنگی استفاده کنیم. همان طور که دیروز هم عرض کردم، انجمن خانه و مدرسه، بعد از انقلاب به نامی فرهنگی مبدل شد و این به خاطر اهمیت و اعتبار آن است. انجمن اولیاء و مربیان در حقیقت احساسات، عواطف، فرهنگ و نقش دو مکان خانه و مدرسه را پررنگ تر از دو مکان فیزیکی می کند.

ارتباط خانه و مدرسه از مسائل بسیار مهم است. اولاً در بخش تربیت، این دو کانون باید هم سو و هم جهت باشند. اگر در این امر دقت نکنیم، بین این دو کانون و این دو معلم و مربی به طور مستقیم و غیرمستقیم تعارض ایجاد



باید برای حل آنها برنامه‌ریزی کنیم، هسته‌های مشاوره را تشکیل دهیم و آن آموزشها را رونق ببخشیم. بخش مهمی از همه اینها به این تعارضها بر می‌گردد و این یکی از مهمترین مسائلی است که نقش هماهنگی و ارتباط خانه و مدرسه، این دو کانون مقدس را در نظام تعلیم و تربیت بسیار پررنگ و پربار می‌کند. در حقیقت پیوند این دو کانون و این دو مربی و ارتباط بین اولیاء و مربیان و مشارکت اولیاء در مسائل فرهنگی فرزندانشان، ارتباط مستقیم با این موضوع دارد که باید به آن توجه کنیم و یکی از ابعاد مشارکت در حقیقت همین موضوع است. حال اگر فراتر از حد مسائل و منافع شخصی فکر کنیم می‌بینیم که اصل مقوله تعلیم و تربیت، بحث فرهنگ‌سازی، بحث انتقال فرهنگ اسلامی، انقلاب و ارزشها به نسلی که می‌خواهد آینده‌ساز این نظام باشد، بویژه در عصری که جامعه اسلامی ما در معرض تهاجم

می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلالات روحی و روانی در فرزندان این جامعه، همین ناهماهنگی‌های تربیتی بین دو کانون خانه و مدرسه است. به عبارت دیگر تربیت در خانه به یک نحو صورت می‌گیرد و در کانون مدرسه به نحو دیگر، معلم خانه با نام ولی یا پدر و مادر به نحوی بچه‌ها را رشد می‌دهند و فرهنگ آنها را بار می‌آورند و مدرسه به نحو دیگر، این فرزند که بین دو کانون قرار دارد و سراپا احساسات پاک و عقل سلیم است، دچار تعارض می‌شود، یعنی هم شخصیت پدر و مادر را قبول دارد و هم شخصیت معلم را، و هر دو را عناصری مقدس می‌داند، اما دو گونه حرف از آنها می‌شنود و دو روش از آنها می‌آموزد و نمی‌داند کدام راست می‌گوید، به حرفها و رفتار کدامیک بایستی توجه کند، و این تعارض علت همان مشکلاتی است که در صحن اجتماع و مدارس ما را نگران می‌کند و

فرهنگی است، از مهمترین مسائلی است که در بنده و شما به عنوان آحاد جامعه حساسیت ایجاد می‌کند تا به این موضوع در جامعه کوچکی به نام مدرسه (البته از نظر محیط کوچک است ولی تمام جامعه بزرگ ما را در بر می‌گیرد) توجه کنیم.

همه ما دوست داریم که با تمام وجود برای سازندگی کشورمان تلاش کنیم و یکی از مسائل بسیار مهم نیز دغدغه فرهنگی برای نسلی است که می‌خواهد آینده‌ساز مملکت باشد و چرخهای سازندگی به دست پرتوان آنان به گردش درآید. آیا واقعاً باید در این امر مهم مشارکت کنیم، یا باید بی تفاوت باشیم؟ آیا باید به اندازه‌ای که دلمان می‌تپد، برای رفع نارسایی جامعه و کانونی که نسلی را پرورش می‌دهد که می‌خواهد پرچمدار انقلاب باشد، پرچمدار فرهنگ شهیدان باشد و از ارزشها پاسداری کند و شخصیت فرهنگی جامعه را در آینده بسازد، مشارکت داشته باشیم یا نه؟ اگر از تک تک شما سؤال شود، همگی پاسخ مثبت می‌دهید و در حقیقت همین نکته است که ضرورت مشارکت در امر آموزش و پرورش را صد چندان می‌کند. ما معمولاً وقتی از مشارکت صحبت می‌کنیم، مسائل مادی مورد نظرمان است. من در مصاحبه‌های اولیه چندین بار عرض کرده‌ام و اعتقادم این است که تا زمانی که مشارکت را در بعد مادی ببینیم، هرگز مشارکتمان در بعد آموزش و پرورش محقق نمی‌شود. زیرا همان‌طور که آقای ناطق فرمودند جلسات ما جنبه تشریفاتی پیدا می‌کند و تعارفی می‌شود. به همین دلیل اولیای ما احساس می‌کنند یا باید پول بگیرند و یا باید پول بدهند. یعنی یا باید خودشان پول داشته باشند و کمک کنند و یا آن

قدر نفوذ داشته باشند که افراد متمکن را پیدا کنند و از آنها پول بگیرند. هر دوی اینها از عهده هر کس بر نمی‌آید، لذا مشارکت ما ابعاد کوچکتری پیدا می‌کند و عده بسیار کمی داخل مدارس می‌شوند، آن هم با تعارفات. یعنی آقایان می‌آیند کاندیدا بشوند، می‌بینند کسی نیامد، از این و آن می‌خواهند کاندیدا شوند، بالاخره با تعارف می‌آیند و بناچار این مسئولیت را می‌پذیرند. در حالی که ما اصلاً نباید این‌گونه به این مشارکت بنگریم. ما باید اولیاء یا خانواده را به عنوان یک بازوی پرتوان تربیتی در کنار خودمان قرار بدهیم که هم می‌توانند ما را در کارمان کمک کنند و هم می‌توانند پشتوانه‌ای برای اهداف ما باشند. ما خیلی از کارها را می‌توانیم به دست اولیاء انجام بدهیم. اگر واقعاً حضور تعریف شده، دائمی، فعال و نهادینه شده اولیاء محقق شود، بنده فکر می‌کنم که بسیاری از مشکلات فرهنگی و معنوی و مادی مدارس و مراکز آموزشی ما حل می‌شود. اگر اولیاء مدرسه را از خودشان بدانند و اگر مجموعه اهل محل احساس کنند که مدرسه هم کانون تربیت فرزندان آنهاست و هم محل فرهنگ‌سازی برای آینده انقلاب و ارزشهای انقلابی، من فکر می‌کنم خیلی دلسوزانه تر تلاش می‌کنند. ما باید کاری کنیم که نه تنها آن دافعه‌ها، رودبایستی‌ها و مقاومتها برای تشکیل انجمن از بین برود، بلکه به جایی برسیم که چنان سبقت و مسابقه‌ای برای عضو شدن در انجمن به وجود بیاید که ما مجبور شویم ضوابط جدیدی تصویب کنیم و بگوییم با شرایط خاصی عضو می‌پذیریم. کسانی را می‌پذیریم که عاشق باشند، فکر ارائه کنند، وقت بگذارند، با تمام وجود یار تربیتی مدرسه

خود اولیاء باشد. در مقابله با تهاجم فرهنگی که اکنون مغز و اندیشه جوانان جامعه انقلابی ما در نوک پیکان این تهاجم قرار دارد، اولیای عزیز بهتر می‌توانند آموزش و پرورش را کمک کنند. ما در مدرسه با کمک شما برنامه‌ریزی می‌کنیم. با توجه به ارتباط معنوی که شما با فرزندانمان دارید و کنترلی که می‌توانید در سطح جامعه داشته باشید، اگر حرف ما به عنوان مربی در مدرسه و شما به عنوان ولی در خانه یکسان باشد، آن موقع است که تحقق اهداف ما سرعت می‌گیرد. اما اگر حرفهای مربی و ولی متفاوت باشد، خنثی‌سازی می‌شود. در اینجا است که ما باید این زمینه‌ها را فراهم کنیم و شما اولیاء نیز با تمام وجود این فرهنگ را در میان اولیاء دیگر گسترش دهید. ما هم سعی می‌کنیم در رسانه‌ها و مصاحبه‌ها به این موضوع اشاره کنیم و دست‌نیاز و مساعدت و کمک به سوی همه عزیزانی که دلشان برای تربیت

باشند، میان دو کانون خانه و مدرسه ارتباط برقرار کنند و رابطی بسیار هوشمند و فرهیخته بین این دو کانون باشند و اهداف تعلیم و تربیت را بیش از پیش محقق کنند. بنابراین اگر بخواهیم به اینجا برسیم طبعاً باید نگرش خودمان را تغییر بدهیم. اولاً ما به عنوان دستگاه آموزش و پرورش باید زمینه‌ها را آماده کنیم و امر مشارکت را قانونمند و نهادینه نماییم. همچنین باید اختیارات اولیاء را در قالب و چهارچوب ضوابط نظام آموزشی و تربیتی بیشتر کنیم. اگر اولیاء احساس کنند که مدیر مدرسه، مربی تربیتی و معلم مدرسه با تمام وجود پذیرای آنها هستند، قبول می‌کنند که در تنگناها و تمام مراحل تربیت و آموزش به نظام آموزش و پرورش کمک کنند. موضوع خلاء فکری، خلاء معنوی و خلاصه افت معنوی و تربیتی در مراکز آموزشی، بیش از آنکه دغدغه بنده به عنوان مسؤول آموزش و پرورش باشد، باید دغدغه

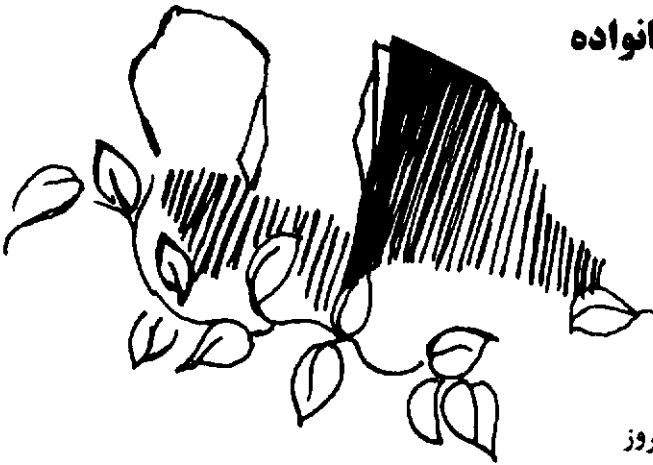


تربیتی همان مدرسه و بچه‌ها و جوانان محل شود، تا آنها بتوانند اوقات فراغت خود را در آنجا سپری کنند و اندیشه‌ها و خلاقیت‌شان را در آنجا شکوفا نمایند. ولی متأسفانه این آرزو بسیار دور دست است و برای رسیدن به آن امکانات فراوان و زمان زیاد لازم است. اما مدارس سه نوبته چیز خوبی نیست و دست ما را در این زمینه کاملاً می‌بندد.

برخی از افراد جامعه متمکن هستند و دلشان می‌خواهد امکاناتی را که دارند جاودانه کنند. یکی از راههای جاودانگی امکانات مادی همین کمک به مدارس است. خداوند به یک عده توفیق برخورداری از امکاناتی را داده است که اگر اینها را صرف مسائل زندگی‌شان کنند، همه اینها از بین می‌رود و چیزی برای آخرت آنها ذخیره نمی‌شود. اگر این افراد بخواهند برای آینده ذخیره‌سازی کنند - که ما بسیار به آن نیازمند هستیم - بهترین راه، انفاق و وقف و کمک به مصارف مقدسی است که در آموزش و پرورش جامعه ما زمینه‌های آن وجود دارد، و در این زمینه هم اولیاء می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. البته ما هم دنبال قوانینی هستیم که این امر را تسهیل کند. اگر ما بتوانیم کمک افرادی را که مثلاً دارای شرکت یا کارخانه‌ای هستند، به عنوان بخشی از سهم مالیات آنها محسوب کنیم، بسیار مهم و پربار خواهد بود. یعنی اگر کسی بخشی از درآمد کارخانه‌اش را برای مدرسه هزینه کند، این هزینه به عنوان هزینه قابل قبول محسوب شود و دیگر مالیات به آن تعلق نگیرد و از بقیه درآمد مالیات گرفته شود. پس اگر ما بتوانیم این بخش را هم از نظر قانونی ترمیم و اصلاح کنیم، کار بسیار خوبی بقیه در صفحه ۲۸

نسل آینده می‌تپد دراز کنیم و چه کسی بهتر از آنها که پارهٔ تنشان در دست بنده و امثال بنده به عنوان معلم و مدرسه قرار دارد. این حضور از همه چیز مهمتر است. در حقیقت مهم‌ترین مسأله مشارکت شما، حضور شماست. حضور اولیاء در مدرسه خیلی از مسائل را حل می‌کند. ما هم باید نقش اولیاء را پررنگ کنیم و اختیارات بیشتری داشته باشند، یعنی بیشتر بتوانند کمکها و عشق و محبتشان را بروز دهند. از طرف دیگر از مشارکت اولیاء استقبال کنیم و پذیرای آن باشیم و امیدواریم این اجلاس هم بتواند به این امر کمک کند. بسیار ممنون خواهیم شد که ان شاء الله نظریات جمع‌آوری شود و به مسئولان تحویل گردد تا بتوانیم از این سمینار بهره‌افر ببریم. مسائل و تنگناهای مادی هم جای خودش را دارد. بنده و معاونان، امروز در محضر رئیس محترم مجلس مسائل خوبی را مطرح کردیم و ایشان هم قول مساعدت دادند. آموزش و پرورش تنگناهای بسیار فراوانی دارد که از موانع بزرگ تربیتی آن به شمار می‌رود و تحقق اهداف آموزش و پرورش را به تأخیر می‌اندازد که در رفع این موانع باید واقعاً تلاش کنیم.

فضاهای آموزشی یکی از مهمترین مسائلی است که آموزش و پرورش با آن روبروست. ما هنوز هم مدارس سه نوبته داریم. مدارس سه نوبتی نمی‌تواند فضای تربیتی خوبی را ایجاد کند، مدارس دو نوبته هم مشکلاتی دارد. البته تبدیل مدارس دو نوبته به یک نوبته آرمان بسیار مطلوب و دراز مدتی است که شاید به این زودیها به آن برسیم. ما آرزوی مان این است که در نوبت صبح مسائل آموزشی و کلاسی داشته باشیم و نوبت عصرمان تبدیل به کانونهای



دکتر غلامعلی افروز

می‌شود، مگر در سه زمینه :

اول - صدقه جاریه، یعنی کار خیر و پر برکت و مستمری که از خود به جای گذاشته است .
دوم - آثار علمی‌اش که دیگران از آن بهره‌مند شوند.

سوم - فرزند شایسته و صالحی که قدرشناس باشد و برای او دعا کند.^۲

به درستی که فرزند صالح - که گلی از گل‌های بهشت^۳ است - نعمتی بزرگ برای انسان به شمار می‌آید و همسران برتر همواره در اندیشه برخورداری از این نعمت بزرگ هستند.

از سعادت‌مندی و خوشبختی همسران برتر، تربیت فرزند سالم و صالح، هوشمند و تواناست و پیامبر حق (ص) می‌فرماید: من سعادة الرجل الولد الصالح^۴ - از جمله نشانه‌های سعادت‌مندی انسان، داشتن فرزند صالح و شایسته است.

آری، تردیدی نیست که برخورداری از فرزند صالح و شایسته که طبعاً در نتیجه دوران‌دینی، تربیت صحیح و صبور و والدین امکان‌پذیر می‌گردد، نعمت ارزشمندی است که همواره باید قدر دان آن و شاکر رب العالمین بود.

همسران برتر

اندیشه فرزندآوری

همسران برتر آنانی هستند که با اعتقاد به ارزش‌مندی وجود فرزند، ضمن احراز شایستگی‌ها و کفایت‌های مادری و پدری و پذیرش مسؤولیت‌ها، با باور مشترک، همدلی و تفاهم کامل به اندیشه فرزندآوری جامه عمل می‌پوشانند.

همسران برتر به نیکی می‌دانند که "فرزند" از بارزترین مصادیق برکت عمر و زنجیره پیوند دنیا و آخرت انسان است. از همین‌روست که پیامبر خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله می‌فرماید:

اذا مات المؤمن انقطع عمله الا من ثلاث : صدقة جاریه، او علم ینتفع به، او ولد صالح یدعوله.^۱

هنگامی که مؤمن یا دنیای خاکی وداع می‌کند، همه اعمال و فعالیت‌هایش نیز منقطع

نیایش، برنامه‌ریزی و برخورداری از اندیشه تربیتی و کمال طلبی است. به همین دلیل، همواره بندگان ناب خدا، با ایمان به این مهم، در اندیشه تربیت و پرورش فرزندان صالح و با کمال هستند، فرزندانی که وجودشان روشنی‌بخش حیات دنیوی و اخروی آنان است.

و همسران برتر، هم آواز با وابستگان به الله و وارستگان از غیر او - هنگامی که با خردورزی و حسن تدبیر آماده ایفای رسالت بزرگ پدری و مادری می‌شوند، دست دعا به درگاه خداوند رحمان - احسن الخالقین - بر می‌دارند و می‌گویند: "... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ ..." ^۷ پروردگارا از همسران و خاندان ما فرزندانی به ما مرحمت بفرما که مایه روشنی چشم ما باشند. ^۸



حقیقت این است که در قانون الهی، "فرزند" از والاترین و ارزشمندترین جایگاه برخوردار است، و فرزندآوری از خطرناک‌ترین مسؤولیت‌ها و رسالت‌هاست؛ چرا که کودکان در نظام اسلامی، از همان روزهای آغازین حیات، صاحب حقوق حقه‌ای در ابعاد زیستی و روانی هستند که توجه به آن، از وظایف و مسؤولیت‌های درخور توجه والدین است. ^۵

در فرهنگ قرآن، "فرزند" هرگز یک عامل اقتصادی و عنصر قدرت نظامی صرف نیست و نیز ابزار سرگرمی و تفریح، عروسک دست‌آموز، وسیله‌ای برای فرو نشاندن خشم و مایه تفاخر و تکاثر والدین به‌شمار نمی‌آید.

در جهان بینی الهی، "فرزند" به مثابه امانت هدیه‌گونه و هدیه امانت‌گونه‌ای است که از لطف و کرم خداوندی به والدین "هبه" می‌شود. در واقع "هبه" آمیزه‌ای از "هدیه و امانت" است. به بیان دیگر فرزند هدیه و امانتی است چون "گل"، که زینت خانه است و نگهداری و پرورش آن پدران و مادران شایسته و امین را می‌طلبد. خداوند متعال در قرآن کریم -

سوره شوری، آیات ۴۹ و ۵۰ می‌فرماید:

لِلّٰهِ مَلِكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ يَخْلُقْ مَا يَشَآءُ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ اَنَاقًا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ الذَّكَوٰرَ. اَوْ يَزُوْجَهُمْ ذَكَرًا اَوْ اُنثٰى وَ يَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيْمًا، اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ - مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست، هر چه را بخواهد می‌آفریند، به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر^۶ هبه می‌کند، یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را بر آنان جمع می‌کند، و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد، زیرا او دانا و قادر است.

فرزندآوری در تفکر اسلامی متضمن دعا و

خشم و عصبانیت و اضطراب و نگرانی^{۱۲}، با مظهر ساختن وجود به وضو^{۱۳}، اقامه نماز و نیایش به درگاه خالق مهربان و طلب نور چشم و فرزند صالح از درگاه بی مثالش، نقش آگاهانه خود را در شکل‌گیری نطفه و سلامت و تکوین شخصیت جنین ایفا می‌نمایند.

در فرهنگ قرآنی، شمار فرزندان چندان مطرح نیست، آنچه از دیدگاه مکتب تربیتی اسلام حائز اهمیت است، نحوه تربیت صحیح فرزند یا فرزندان است که پشتوانه حیات دنیوی و اخروی والدین هستند. بدیهی است که اولین گام در توجه به فرایند صحیح تربیت فرزند، کسب آمادگی و قابلیت‌های لازم برای ایفای مسئولیت پدری و مادری، و به گونه‌ای که اشاره شد، برنامه‌ریزی و دعا برای فرزندآوری و پذیرش مسئولیت امانت‌داری و باغبانی غنچه وجود کودک است. دقت در شرایط مطلوب زیستی و روانی مادران^{۱۴} در دوران بارداری، ایجاد فرصت لازم برای تغذیه نوزاد با شیرمادر، پرهیز از بارداری مجدد در دوران شیرخوارگی طفل (تا دو سالگی) و رعایت فواصل مناسب و مطلوب حداقل سه سال بین فرزندان و دقت کافی و ضروری در پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته، از جمله تدبیرها و تلاشهای همسران برتر در فرایند تربیت مطلوب فرزند است.

همسران برتر توجه دارند که فراوانی آسیب‌های جسمی و روانی و معلولیت‌های ذهنی و حرکتی در نوزادان ناخواسته (بارداریهای غیرارادی و برنامه‌ریزی نشده)، به‌طور قابل توجهی (گاهی چند برابر) بیشتر از نوزادانی است که با نیت و آگاهی، اراده و برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات لازم متولد

آری، این دعا و نیایش همه پاکان و برگزیدگان است و همسران برتر در فرزندآوری نیز به متقیان و پیشوایان حق و بندگان مخلص خداوند تأسی می‌جویند. و این دعا، دعایی است که پیامبر خدا، حضرت زکریا سلام الله علیه، به تمنا به درگاه احدیت می‌نماید: "رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ"^{۱۵}. پروردگارا، از سوی خود فرزند پاکیزه و صالحی به من عنایت فرما، که همانا تو دعا را می‌شنوی. همچنین حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام، در طلب فرزند از خالق منان - این صورتگر بی‌همتا - به درگاه حضرتش دست نیاز می‌گشاید و دعا می‌کند که: "رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ"^{۱۶} - پروردگارا به ما فرزند صالح ببخش و مرحمت فرما. و خداوند دعای او را مستجاب می‌کند و "اسماعیل" را به وی و همسرش عنایت می‌فرماید.^{۱۷}

در حقیقت، بعد از قرآن و عترت، امانتی بالاتر و والاتر از "فرزند" نیست. از این‌رو همسران برتر بسان حق‌جویان موحد و بندگان بیدار دل خداوند رحمان، بیش از هر چیز، اندیشه‌های تربیتی و اهداف آرمانی خویش را در امر فرزندآوری مدنظر قرار می‌دهند و بدور از غفلت، در تشکیل نطفه نیز با وضو ساختن و آمادگی روانی کامل، عاری از اندیشه اغیار و در نهایت آرامش روان به یاد حق هستند و از همان روزهای نخستین تشکیل نطفه، در اندیشه ایجاد مناسب‌ترین شرایط و بهترین بستر برای شکل‌گیری نطفه و تکوین جنین می‌باشند.

همسران برتر با تفاهم و علاقه‌مندی متقابل، آمادگی و سلامت جسمانی، بهداشت روانی، آرامش و سکینه خاطر و بدور از حرام‌خواری، پرخواری و خودمداری و رها از

المصیر" - ما به انسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم . مادرش او را با مشقت روی مشقت حمل کرد (هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد . (آری به او توصیه کردم) که برای من و پدر و مادرش شکر به جا آورد که بازگشت همه شما به سوی من است .

آری خداوند متعال به دلیل عظمت نقش مادر و زحماتی که وی در دوران بارداری متحمل می‌شود، نه تنها احترام کامل پدر و مادر را - که همگام و همراه هستند - بر فرزندان فرض می‌داند، بلکه حق شناسی و قدرشناسی و شکرگزاری از والدین را در کنار شکر خود یادآور می‌شود، و این فقط و فقط به دلیل عظمت مقام پدر و مادر، بالاخص شأن و مقام والای "مادر" است .

مقام مادر باردار در فرهنگ قرآنی همانند کسی است که در خط مقدم جبهه از ارزشهای اسلامی دفاع می‌کند، مادر باردار مجاهد فی سبیل الله است .

همسران برتر به درستی می‌دانند که دوران بارداری و فرزندآوری از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوران حیات آدمی است . در این دوره هم سرنوشت "فرزند" رقم می‌خورد و هم سرنوشت دنیوی و اخروی والدین .

خالق منان - این صورتگر هستی - در قرآن کریم می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" ^{۱۶} - او کسی است که شما را در رحم مادران آنچنان که می‌خواهد تصویر می‌کند، معبودی جز خداوند توانا و حکیم نیست .

می‌شوند. همچنین شایان ذکر است که درصد افراد معلول در میان خانواده‌هایی که بیشتر از ۴ یا ۵ فرزند دارند (خانواده‌های به اصطلاح کثیرالاولاد)، به مراتب بیشتر از خانواده‌هایی است که فرزندان کمتری دارند. پرواضح است که احتمال وجود فرزند ناخواسته یا برنامه‌ریزی نشده در بین خانواده‌های پرجمعیت، فوق‌العاده بیشتر از خانواده‌هایی است که دارای فرزندان کمتری هستند.

همسران برتر ضمن آنکه در امر فرزندآوری اندیشه می‌کنند و برنامه‌ریزی می‌نمایند، همچون پدران و مادران فہیم و آگاه، با تشکیل نطفه، لحظه‌ای از تکوین آن غافل نمی‌مانند و در دوران حساس و سرنوشت‌ساز حیات جنینی فرزند، هرگز از اندیشه‌های تربیتی غفلت نمی‌ورزند. چرا که درصد معتناہی از عوامل مؤثر و تعیین کننده در سعادت و هوشمندی و سلامت یا معلولیت و عقب‌ماندگی و سازش نایافتگی‌های عاطفی فرزند، به دوره بارداری و زندگی جنینی کودک مربوط می‌شود.

از منظر تعلیمات اسلامی، بارداری مادران از اهمیت و ارزشمندی فوق‌العاده برخوردار است و خداوند منان از این "پدیده" بسیار مهم و مبارک، در قرآن کریم به نیکی و کرامت یاد می‌کند: " وَوَضِعْنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ احْسَانًا حَمَلْتَهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعْتَهُ كَرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...^{۱۵} - ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است . همچنین در آیه ۱۴ سورة لقمان می‌فرماید: " وَوَضِعْنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ حَمَلْتَهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَالَهُ فِي عَامَيْنِ اثنِ اشْكَرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ اَلَّذِي



زیستی و روانی مطلوب در همین دوره فراهم می‌گردد.^{۱۹}

در این قسمت برای جلب توجه هر چه بیشتر پدران و مادران و همسران برتر، به برخی از ویژگیهای تحول جنین اشاره می‌کنیم و امیدواریم که همواره با دید و اندیشه تربیتی به زندگی جنینی و حیات کودک قبل از تولد بنگریم، چرا که آشنایی با نحوه انعقاد نطفه و چگونگی رشد جنین در مراحل مختلف، از اصول اولیه تعلیم و تربیت است. بسیاری از مسائلی که بعدها مورد توجه اولیاء قرار می‌گیرد، همچون سازگاری عاطفی، میزان هوش و قدرت حافظه و یادگیری کودکان، اساساً متأثر از این دوره از حیات است، دوره‌ای بسیار حساس و پراهمیت.

فرایند تکوین جنین

جنین در حدود هفته چهاردهم شباهت کامل به هیأت آدمی دارد. در این دوره از رشد،

و خداوند برترین خالق و بهترین تصویرگر است: "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم"^{۱۷} - که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. لذا هر گونه آسیب‌پذیری جنین می‌تواند ناشی از عوامل گوناگون باشد که بعضاً مسؤولیت آن بر عهده والدین (به طور مشترک) است، یا عواملی خارج از توان و مسؤولیت مادر تأثیرگذار می‌باشد و یا عواملی که تاکنون از حیطة شناخت و معرفت مادر و یا محققان و متخصصان دور مانده است،^{۱۸} در این امر دخالت دارد.

بنابراین همسران برتر، مادران و پدران، بویژه زوجهای جوان نیک می‌دانند و یا باید بدانند که دوران زندگی قبل از تولد کودک از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده برخوردار است. این دوره از مهمترین دوره‌های تربیتی به معنای دقیق آن است، زیرا هر روز و لحظه‌اش در زندگی پس از تولد نقش جدی دارد. به بیان دیگر زمینه آسیب‌پذیری‌ها و یا بستر رشد

روحه و جعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلاً ما تشكرون - سپس پیکر او را آراسته، از روح خود در آن بدمید و برایتان گوش و چشمها و دلها (ادراک) آفرید، چه اندک شکر می‌گویید. با توجه به توصیف نیکوی قرآن مجید از مراحل تکوین جنین و نیز بر اساس مطالعات انجام شده، شکل جنین پس از ماه چهار شبیه قیافه آدمی می‌شود و به تدریج جنین در شکم مادر به جنبش در می‌آید و مانند انسانی کوچک به حیات درون رحمی خود ادامه می‌دهد. از اواخر هفته شانزدهم مادر می‌تواند حرکات جنین را احساس کند. در واقع با دیدن روح در جنین، تحول عظیمی در روند رشد آن ایجاد می‌گردد. در این شرایط تأثیرگذاری بسیاری از محرکهای محیطی و عوامل عاطفی و روانی بر جنین، فوق‌العاده چشمگیر می‌شود.

شکل‌گیری مغز جنین

در فرایند تکوین جنین، شکل‌گیری مغز جنین با ظرافت و شگفتی خاص صورت می‌پذیرد، مغزی که مرکز تفکر و منبع تراوش فکر و اندیشه است و می‌تواند بستر هوشمندیها، شکوفایی استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوریها باشد.

تکوین ساختمان کلی مغز از همان نخستین روزهای تشکیل نطفه آغاز می‌گردد و در حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی تکامل یافته، پایان می‌پذیرد. با اینکه وزن متوسط مغز نوزاد به هنگام تولد ۲۵ درصد وزن مغز انسان بالغ است، اما باید توجه داشت که پس از تولد، سلولهای عصبی جدیدی در مغز تولید نمی‌شود، و افزایش حجم مغز به دلیل بزرگ شدن اندازه سلولها، میلینه^{۲۰} شدن تارهای عصبی و افزایش تعداد

سرچنین نسبت به بقیه قسمت‌های بدنش بزرگتر است. به عبارت دیگر تقریباً $\frac{1}{10}$ قد کودک را سر او تشکیل می‌دهد. رشد فوق‌العاده چشمگیر سر حاکی از رشد سریع سلولهای مغزی است. سرعت رشد در دوران جنینی و بعد از تولد تا حدود ۳ سالگی خیلی سریع است. تأثیرپذیری عاطفی - روانی جنین، بخصوص بعد از حدود ۱۶ هفتگی فوق‌العاده بارز و قابل ملاحظه است.

به‌طور کلی جنین در حدود ۴ ماهگی شباهت نسبتاً کاملی به هیأت آدمی پیدا می‌کند. قرآن کریم توصیف زیبایی از مراحل تکوین جنین و پدیدار شدن هیأت آدمی در رحم و دیدن روح الهی در آن دارد. در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون می‌خوانیم: "و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين، ثم جعلناه نطفه في قرار مكين، ثم خلقنا النطفه علقه، فخلقنا العلقه مضغه، فخلقنا المضغه عظاماً، فكسونا العظام لحماً، ثم انشأناه خلقاً آخر، فتبارك الله احسن الخالقين". - ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس نسل او را به صورت نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به صورت علقه (لخته خونی) آفریدیم، و از آن لخته خون، مضغه (پاره گوشتی) و از آن پاره گوشت، استخوانها را آفریدیم و استخوانها را با گوشت پوشاندیم و پیکری کامل آراستیم و آفرینش تازه‌ای دادیم، پس آفرین بر قدرت کامل بهترین آفرینندگان. در ادامه و در ارتباط با این وصف زیبا از تکوین جنین، قرآن کریم در آیه نهم سوره سجده بیان می‌کند که پس از کامل شدن شکل جنین و شباهت آن به صورت آدمی (در حدود ۱۶ هفتگی بارداری)، خداوند از روح خود در آن می‌دمد: "ثم سوّيه ونفخ فيه من

سیناپس‌ها^{۲۱} و بالطبع گستردگی شبکه ارتباط عصبی است. بنابراین بایسته آن است که بیشتر توجه والدین و همسران برتر، همراه با محققان و پژوهشگران، به مسأله شکل‌گیری و رشد مغز و فعالیت‌های آن در دوران سرنوشت‌ساز جنینی و ضرورت‌های مربوط به نحوه تغذیه مطلوب و سلامت و آرامش روان مادر باردار معطوف گردد.

تا کنون مطالعات فراوانی درباره رشد مغز، تکوین دستگاه عصبی و مراحل تحول هوش و کنشهای شناختی کودکان و نوجوانان در دوره‌های مختلف رشد انجام پذیرفته و کتب و مقالات ارزنده‌ای در این زمینه منتشر شده است. لیکن دانش ما در حوزه زندگی درون رحمی کودکان و نحوه تکامل مغز و کنشهای ذهنی و حسی آنها بسیار ناچیز و در عین حال فوق‌العاده ارزشمند و سرنوشت‌ساز است. در حقیقت عمر مطالعات مربوط به حیات هوشمندانه کودکان قبل از تولد، قدمت چندانی ندارد.

در جامعه اسلامی ما بسیاری از دانسته‌های خانواده‌ها در مورد کنشها و واکنشهای حیات درون رحمی کودکان، عمدتاً مبتنی بر اطلاعات عمومی، تجارب پراکنده فردی مادران باردار و یا برداشتهای حاصل از زندگی، توصیه‌ها و روایات مکتوب در کتب اسلامی از بعضی معصومین علیهم‌السلام است. بطور مثال وقتی که با خواندن روایتی آگاه می‌شویم که حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها زمانی که باردار بودند در بسیاری از مواقع با جنین خود سخن می‌گفتند، یا زمانی که متوجه می‌شویم در متون اسلامی توصیه شده است که مادران باردار قرآن بخوانند و به صدای ملکوتی قرآن گوش

فرا بدهند، و یا آنگاه که در می‌یابیم به فرموده معصوم علیه‌السلام به هنگام تولد کودک در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود، همه اینها حکایت از بینش عمیق اولیای حق نسبت به حیات هوشمندانه کودک قبل از تولد و عوامل مؤثر در تکوین شخصیت وی در مراحل رشد و زندگی درون رحمی و پس از آن دارد.

واقع امر این است که جنین بخصوص در ماههای آخر رشد درون رحمی خود صرفاً یک موجود منفعل و وابسته محض به مادر نیست، بلکه به عنوان یک انسان، به گونه‌ای از هویت و شخصیت مستقل برخوردار است. بررسیهای انجام شده حاکی از آن است که جنین پس از چهار ماهگی به‌طور فوق‌العاده‌ای از شرایط عاطفی - روانی مادر متأثر می‌گردد.

توان فوق‌العاده نوزادان در برقراری ارتباط اجتماعی در ماههای آغازین زندگی بعد از تولد، تشخیص صدای مادر در بین صداهای مختلف و حساسیت نشان دادن به آن، خود گویای آن است که آنها بخشی از چنین توان و تجربه ارتباطی (یادگیری) را قبل از تولد کسب کرده‌اند.

خانم دکتر انجل^{۲۲} (۱۹۹۴) استاد برجسته زبان‌شناسی، در تحقیقات وسیع خود در زمینه تحول زبان در کودکان به این نتیجه می‌رسد که بچه‌ها از همان ماههای اول تولد به گونه‌ای از قدرت ارتباطی برخوردارند. به سخن دیگر کودکان در دوران جنینی قادرند که با دنیای خارج از رحم در ارتباط باشند و اطلاعات مؤثری را در حافظه خود نگاه دارند.

برخی از یافته‌های تحقیقاتی بیانگر این حقیقت است که بچه‌ها در داخل رحم به‌طور



محسوس نیاز خودشان را به ارتباط با جهان خارج از رحم و بخصوص مادر نشان می دهند (انجل ۱۹۸۸). از همین رو مادران بارداری که جنین خود را نوازش می کنند و با جنین خود سخن می گویند، وقتی که فرزندان شان پا به دنیای جدید می گذارند، خیلی زود با آنها مأنوس شده، احساس غریبی نمی کنند.

همه پدران و مادران دوست دارند که فرزندان سالم، صالح، هوشمند و توانا داشته باشند. همه والدین مایلند به مؤثرترین شیوه های تربیتی آشنا شوند و فرزندان خود را به شایستگی تربیت کنند. و بالاخره همه خانواده ها دوست دارند به نیکی بدانند که از چه زمانی و چه گونه کودک خود را برای یک زندگی فعال اجتماعی که اساس آن مهارت کلامی است، تربیت نمایند.

بدون تردید چگونگی تشکیل نطفه و حیات کودک قبل از تولد و مراحل رشد درون رحمی بیشترین نقش را در تکوین و شکل گیری شخصیت او دارد. لذا شایسته آن است که پیش از پیش به این مهم بیندیشیم و مراحل اولیه رشد و تحول جنین و ویژگی های آن را بشناسیم و بشناسانیم.

مطالعات جدید در مورد بارداری و نحوه تولد نوزادان انسان و بعضی از حیوانات، حقایق تازه ای را برای محققان روشن می کند. مثلاً زمان تولد نوزاد گوسفند (که از نظر دوران بارداری شباهت زیادی به انسان دارد)، با علایمی از کنشهای مغزی مشخص می گردد، علایمی که زمینه ترشح هورمون هایی را فراهم می کنند که برای تولد نوزاد کاملاً ضروری است. به بیان دیگر، زمان تولد به توسط جنین مشخص می شود و این مهم بر عهده مغز جنین

است که تشخیص دهد چه زمانی اندامهای جنین برای زندگی خارج از رحم آمادگی دارند (مک دونالد و ناسائیلز ۱۹۹۱).

همچنین یافته های تازه علمی این حقیقت را آشکار می سازد که مراحل تحول درون رحمی نوزاد منحصرأ در رشد زیستی و فیزیولوژیکی او خلاصه نمی شود. جنین همزمان با رشد جسمانی به تدریج صاحب حواس مختلفی شده، قادر می گردد که فرایند یادگیری را قبل از تولد آغاز نماید. به موازات رشد جنین، امواج مغزی، متفاوت و متکامل می گردد و آماده کنشهای برتر می شود (انجل ۱۹۸۸).

کهن و لجام گسیختگی های نو، انگیزه صرف پسرخواهی یا دخترخواهی، توازن طبیعی خلقت و بقای نسلها را دگرگون می ساخت. به همین دلیل است که همواره در طول تاریخ خلقت انسان، نسبت مولید پسر و دختر به صورت $50+n$ پسر و $49+n$ دختر بوده است. خالق منان بستر زوجیت مردان و زنان را هموار نموده است.

۷- سورة فرقان، آیه ۵۷

۸- فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که: "اِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ" - حسین علیه السلام چراغ هدایت و روشنگر طریق حق و کشتی نجات است نیز همین معنا را تبیین می کند.

۹- سورة آل عمران، آیه ۳۸

۱۰- سورة صافات، آیه ۱۰۰

۱۱- "فیشرونه به غلام حلیم" - پس او را پسری بر دبار مژده دادیم. (قرآن کریم، سورة صافات، آیه ۱۰۱)

۱۲- در صد قابل توجهی از شکل گیری نامطلوب نطفه و آسیب پذیریهای جنین ناشی از تأثیر شرایط ناخوشایند روان شناختی زوجین بر ژنهای ناقل و عامل است.

۱۳- خداوند رحمان چنان مقرر می فرماید که انسان در حساس ترین شرایط زیستی - روانی (ارضای غریزه پر قوت زیستی) نیز از اندیشه کمال جویی و عاقبت بخیری غافل نماند و به همه امور رنگی الهی ببخشد. در اولین شب وصلت علی علیه السلام و زهرا سلام الله علیها، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خانه ایشان تشریف آوردند و فرمودند: وضو بگیرید و دو رکعت نماز بخوانید. پیامبر (ص) آب وضو را به لطفاً ورق بزنید

در شماره آینده به بعضی از کنشهای مغزی جنین - که طی مطالعات و تجارب علمی، به ویژه در دو دهه گذشته مورد توجه محققان مختلف قرار گرفته و شایسته است همه والدین بخصوص همسران برتر و مادران باردار بدان توجه داشته باشند - و نیز ملاحظات دربارۀ فرزندآوری اشاره خواهد شد.

پی نوشتها:

۱- بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۲۲
۲- در همین ارتباط، یعنی محاسبه آثار دنیوی انسان در دفتر اعمال او پس از مرگش، خداوند در قرآن کسریم، در سورة یس، آیه ۱۲ می فرماید: "اَنَا نَحْنُ نَحْيُ الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ..." - ما به راستی زنده می کنیم مردگان را و آنچه را که پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم. همچنین در سورة قیامت، آیه ۱۳ می فرماید: "يَتَّبِعُوا الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ آخِرٌ" - و در روز قیامت انسان را از تمام کارهایی که در حیاتش انجام داده و نتیجه اعمالش تا آن روز (قیامت) آگاه می کنند.

۳- مکارم الاخلاق، صفحه ۲۵۱

۴- نهج الفصاحه

۵- در این باره در بخش دیگری مباحثی مطرح خواهد شد.

۶- تعیین جنیست در اختیار خداوند منان، خالق انسانهاست و بس. بشر امروز با بهره گیری از فن آوری نو می تواند از همان لحظات اولیه تشکیل نطفه در تشخیص جنسیت موفق باشد، اما قادر نیست نقشی در چگونگی ترکیب کروموزمها و تشکیل نطفه در درون رحم مادر داشته باشد. اگر چنین توانی در اختیار بشر قرار می گرفت، در اعصار مختلف، در جاهلیت های

اطراف زوج جوان پاشیدند و برایشان دعا کردند که خدایا نسل اینها را مبارک گردان و خداوند در پاسخ این دعا وحی فرمودند: " انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شاتک هو الاثر ".

۱۴- به عنوان نمونه، نتیجه حاصل از تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور بیانگر این حقیقت است که میزان آسیب پذیری نوزادان در مادران کم سن و سال و همچنین مادرانی که بعد از سن ۳۶ سالگی باردار می شوند، به طور معنی داری بیشتر از سایر مادران است.

۱۵- سورة احقاف، آیه ۱۵

۱۶- سورة آل عمران، آیه ۶

۱۷- سورة تین، آیه ۴

۱۸- فی المثل علت اینکه بعضاً ۴۶ کروموزم به ۴۷ کروموزم تبدیل می شود و زمینه تولد کودکان سندرم داون (منگول) را بوجود می آورد، هنوز بر محققان مشخص نیست. هر چند که بررسیها نشان می دهد این پدیده در مادران بالای ۳۵ سال با فراوانی قابل ملاحظه ای واقع می شود.

۱۹- شاید مفهوم کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند: " السعید من سعد فی بطن امه و الشقی من شقی فی بطن امه " (کنزالعمال، خبر ۴۹۰، به نقل از آیت الله مظاهری) نیز همین باشد، یعنی شالوده آسیب پذیری زیستی و روانی (شقاوت) و زیر بنای رشد مطلوب و آرامش روانی (سعادت مندی) در شکم مادر رقم می خورد.

MYELIN - ۲۰

SYNAPSE - ۲۱

W.V. ENGEL - ۲۲

MCDONALD AND NATHANIELSE - ۲۳

خواهد بود. بحث شوراهای مناطق آموزش و پرورش را هم ان شاء الله پیش رو داریم. قانون شوراها در خیلی از مناطق کشور ابلاغ شده و در حال اجراست. البته تا این شوراها شکل اصلی خود را پیدا کند و نقش اصلی خود را ایفا نماید، ممکن است خیلی زمان ببرد و تلاشهای بسیار بیشتری را می طلبد، ولی در همین حد، کم کم در حال شکل گیری است و شروع به کار کرده است. نقش اولیاء و مردم در این زمینه بسیار پررنگ است. ان شاء الله این شوراها در همه کشور تشکیل و فعال شوند و بزودی مدارس توسط شوراهای محل و منطقه به وضع بسیار زیبایی اداره گردند. البته تشکیل شوراهای اسلامی محلی هم در راستای همین موضوع است و من اعتقاد دارم که شاید این شوراها مؤثرتر باشد، زیرا کار محلی می شود. شوراهای مناطق آموزش و پرورش در سطح استان و شهرستان برنامه ریزی می کنند و به جلب حمایتها و امکانات می پردازند و در مجموع به رفع مشکلات مدارس اقدام می کنند، لذا ارتباط نزدیک و تنگاتنگ آنها کم است، اما شوراهای محلی نقش بسیار تنگاتنگی در اداره مدارس می توانند ایفا کنند، چون در یک محل ممکن است یک، دو یا چند مدرسه وجود داشته باشد.

امیدوارم این جلسات و نشستها بتوانند زمینه های بسیار مساعد و خوبی برای جلب مشارکتهای فکری، علمی، آموزشی، معنوی، ذهنی و آراء انتقادات و پیشنهادها فراهم کند.

حضور در مدرسه، خود یک مشارکت است و این حضور دارای بار فرهنگی و معنوی بسیار قوی است و پشتوانه و تضمین بسیار قوی برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت توسط مدیران و مسؤولان مراکز آموزشی خواهد بود. ان شاء الله موفق و مؤید باشید و این گردهمایی شما منشأ خیر و برکات باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته